

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۲۱، دوره هشتم
سال هجدهم، ۲۲ آبان ۱۳۸۰

نگاهی به پشت پرده بازداشت و حبس نیروهای ملی - مذهبی

زندانیان ملی مذهبی زیر نظر حفاظت سپاه هستند که این ارگان هم زیر نظر سه نفر، یا به طور دقیق تر سه نهاد انتصابی سپاه، بیت رهبری و شورای تشخیص مصلحت نظام قرار دارد: ۱- محمد باقر ذوالقدر، جانشین فرمانده سپاه ۲- حسین شریعتمداری، سرپرست روزنامه کیهان و نماینده بیت رهبری ۳- محسن رضایی (دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام). بازجویی ها تحت نظر سپاه است ولی کارهای اداری آن تحت نظارت قوه قضائیه انجام می شود. قاضی پرونده ها هم زارع دهنوی (قاضی حداد) است.

بازجوها از نظر سنی بسیار جوان اند. سن شان در حدود ۲۰ تا ۲۵ سال است. نحوه برخورد آنها با زندانیان بسیار خشک و خشن است. این بازجوها هیچگونه اراده ای از خود ندارند و به نظر می رسد

مجبورند دستوراتی که از بالا به آنها دیکته می شود را اجرا کنند. یکی از این بازجوها گفته است که ما این نحوه بازجویی ها را قبول نداریم و می دانیم که ملی - مذهبی ها برانداز نیستند ولی ما مجبوریم با آنها مثل برانداز برخورد کنیم.

نحوه بازجویی ها: بازجوها هر سه هفته تغییر می کنند. با تغییر بازجوها، بازجویی ها هم از نو آغاز می گردد. یعنی در حقیقت زندانیان هر سه هفته بازجویی می شوند و باید مطالبی را که سه هفته قبل به بازجوهای پیشین خود گفته و نوشته اند، دوباره بنویسند و امضاء کنند. هر سه هفته این روند تکرار می شود. این مسأله فشار روانی مضاعفی را بر زندانیان وارد می کند.

این بازجویی ها به این شیوه از زمان دستگیری ملی - مذهبی ها تا به حال ادامه داشته است. علاوه بر بازجوهای حفاظت سپاه، وزارت اطلاعات نیز جداگانه از زندانیان بازجویی به عمل می آورد. به این ترتیب شرایط بسیار دشوار و طاقت فرسایی را در این چند ماه بر زندانیان در بند ملی - مذهبی و نهضت آزادی تحمیل کرده اند.

در این میان شاخه رسانه ای برنامه ریزان بازداشت ملی - مذهبی ها، طرح تئوریزه کردن «براندازی قانونی» و «به صفر رساندن ملی - مذهبی ها» برای توجیه دستگیری ها را از کانال ارگان های مختلفی نظیر کیهان، صدا و سیما، امام جمعه ها، عناصر کیهان و رسالت (حسین شریعتمداری، کاظم انبارلویی، امیر محبیان و ...) دنبال کرده است.

ابعاد اجرایی را هم سپاه به عهده گرفته است. حفاظت سپاه نیز با اعمال فشار و شکنجه بازداشت شدگان، مجری طرح به صفر رساندن ملی - مذهبی ها شده است. این طرح، خواسته و اراده رفسنجانی، خامنه ای و کل جناح تمامیت خواه را در پشت خود دارد. واکنش شدید افکار عمومی به بازداشت ملی - مذهبی ها، مقاومت زندانیان و فعالیت خستگی ناپذیر خانواده های آنها برای بیان وضعیت زندانیان، عواملی هستند که در معادلات آمران و مجریان اینگونه اعمال گنجانیده نشده است و آنچه را که تاریخ بر سر دشمنان آزادی آورده است، نصیب آنها خواهد کرد.

محاكمه فرمایشی نیروهای ملی - مذهبی، ضربه دیگری به روند اصلاحات

خواست خاتمی و نزدیکان او محاکمه فرمایشی این افراد را به دلایل روشنی، که مهمترین آن ایجاد جو رعب و وحشت و سر خورده کردن توده ها از روند اصلاحات است، آغاز کرده است. بر اساس اعلامیه اخیر دادگاه «انقلاب اسلامی تهران» و ادعای «مدعی العموم» جرم محاکمه شوندگان «اقدام علیه امنیت کشور با هدف براندازی» محور اساسی اتهامات زندانیان ملی - مذهبی را تشکیل می دهد. جواد منصوری، یکی از نظریه پردازان ارتجاع در گفت و گو با روزنامه رسالت (۲۰ آبان ۱۳۸۰) در توضیح جرم «براندازی» می گوید: «فعالیت های براندازی گاهی در شکل کودتا، برخی مواقع در شکل حرکت های وسیع مردمی... و گاهی به صورت سوء استفاده از قوانین موجود با هدف استحاله درونی نظام و استفاده از نقاط ضعف جهت تغییر حاکمیت صورت می گیرد...» در همین رابطه سید جلال ضیافتی، مسئول روزنامه قدس با صراحت روشن تری هر گونه فعالیت سیاسی برخلاف میل مرتجعان حاکم را جرمی معادل براندازی ارزیابی کرده و با اشاره به فعالیت های انتخاباتی این نیروها می گوید: «در شرایط کنونی نظام متکی به آرای مردم در ایران حکومت می کند حرکت های براندازی به نحوی برنامه ریزی شده است تا از مسیر تغییر افکار

سرانجام روز یکشنبه ۲۰ آبان ماه، پس از هشت ماه اعمال فشار شدید و تلاش برای درهم شکستن زندانیان سیاسی ملی - مذهبی و اعتراف گیری، اولین جلسه محاکمات فرمایشی این مبارزان دگراندیش پشت درهای بسته آغاز شد. یورش به نیروهای ملی - مذهبی بخشی از توطئه گسترده ارتجاع برای درهم کوبیدن کامل روند اصلاحات در میهن ما بود. سید علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم ارتجاع، یک هفته پیش از آغاز یورش، در سخنانی در دانشگاه صنعتی امیر کبیر گفت: «جمهوری اسلامی و مسئولان آن بعد از این نه حق دارند و نه تصمیم دارند که در مقابل کسانی که می خواهند با شعار آزادی علیه این ملت اقدام و حرکت کنند مامشات کنند.» حزب ما بلافاصله پس از این سخنان در هشدار باش مهمی متذکر شد که: «با اشاره ولی فقیه دورتازه یورش ارتجاع آغاز شد» (ضمیمه «نامه مردم»، ۱۶ اسفندماه ۱۳۷۹)، متعاقباً در روز یکشنبه ۲۳ اسفند ماه ۱۳۷۹ و پس از سخنرانی خاتمی در مجلس ده ها تن از فعالان ملی - مذهبی، به بهانه واهی «براندازی» و با پرونده سازی های مضحک و مسخره دستگیر و روانه شکنجه گاه شدند. در طی هشت ماه گذشته برغم برخی تلاش های پشت پرده برای آزادی این نیروها، ارتجاع با بی اعتنائی به

محدود کردن خدمات اینترنتی

به گزارش روزنامه «نوروز»، ۱۷ آبان، شورای عالی انقلاب فرهنگی، در جلسه شامگاه سه شنبه که به ریاست محمد خاتمی تشکیل شد، مقررات و ضوابط شبکه های اطلاع رسانی رایانه ای را تصویب کرد. این مصوبه، شامل آیین نامه های مربوط به نحوه اخذ مجوز و ضوابط فنی نقطه تماس بین المللی، واحدهای ارائه کننده خدمات اطلاع رسانی

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

ادامه محاکمه نیروهای ملی - مذهبی ...

عمومی استحاله فکری انجام شود ... دشمن می خواهد با تغییر نگرش های مردم نسبت به نظام پایه های نظام را متزلزل و زمینه خروج مردم از صحنه را فراهم کند...»

بر اساس مواضع بالا، از سوی سخنگویان ارتجاع، روشن است که در غیاب هرگونه مدرک محکمه پسندی، زندانیان ملی - مذهبی دستگیر شده به جرم فعالیت سیاسی و دفاع از اصلاحات و خواست های مردمی به محاکمه کشیده می شوند. البته این شیوه عملکرد نیز زمینه دیرینه بی در میهن ما دارد. در دهه ۱۳۶۰، رژیم استبدادی حاکم بخش های وسیعی از نیروهای مترقی و آزادی خواه، از جمله حزب توده ایران را بر اساس جرم های واهی مشابهی به محاکمه کشید و سرانجام نیز هزاران مبارز آزادی خواه را روانه کشتارگاه ها کرد.

برای اکثریت قاطع مردم ما روشن است که جرم زندانیانی که به دادگاه کشیده شده اند، چیزی جز دفاع از میهن و حقوق مردم نیست. محاکمه غیر عدنی این مبارزان در پشت درهای بسته، خود بهترین گواه پوچی مدعیات سران مرتجع و خصوصاً دست اندرکاران قوه قضائیه رژیم است. دستگاه قضایی رژیم ولایت فقیه، آنچنان پرونده سیاه و ضد مردمی را با خود به همراه دارد که هرگونه تلاشی برای «قانونی» جو دادن این نمایشات مسخره نه تنها تأثیری در تغییر افکار عمومی ندارد، بلکه این نظریه را تقویت می کند که قضا و قضاوت در رژیم فقهی، ابزاری است برای حفظ حکومت استبدادی و قرون وسطایی حاکم و نه دفاع از قانون و حقوق شهروندان.

خبر آغاز محاکمه نیروهای ملی - مذهبی در کنار اخبار دیگر هفته های اخیر تصویر کامل تری از برنامه های مرتجعان حاکم در اوضاع فعلی بدست می دهد. تشکیل «کمیته ویژه امنیت ملی» در قوه قضائیه، سخنان خشن و تهدید آمیز سران ارتجاع مبنی بر محکوم کردن «متهمان» دادگاه انقلاب به اشد مجازات، یعنی اعدام، تهدیدهای قوه قضائیه بر ضد نمایندگان مجلس و کارگزاران دولتی که از روند اصلاحات دفاع می کنند، دستگیری های تازه به دستور دادگاه ویژه روحانیت، و تشدید جو فشار بر جنبش دانشجویی بخشی از برنامه ارتجاع برای سرکوب کامل روند اصلاحات در میهن ماست. تحقق این برنامه ها در فضای عقب نشینی و مماشات نیروهای جبهه دوم خرداد، صورت می گیرد. این روند بی شک اثر مخرب و جدی بر روند اصلاحات و پشتیبانی مردمی از این روند دارد و جنبش مردمی را با خطرات جدی روبه رو کرده است.

ارتجاع با آغاز روند محاکمه نیروهای ملی - مذهبی، افکار عمومی و جنبش مردمی میهن ما را به آزمونی دشوار کشانده است. سکوت در مقابل این خودسری ها، بی عملی و عدم اعتراض گسترده، از سوی ارتجاع به مثابه چراغ سبزی برای برداشتن گام های بعدی تلقی خواهد شد. تجربه گذشته نشان می دهد که در مقابل هر عقب نشینی جنبش مدافع اصلاحات، مرتجعان حاکم تهاجمات گسترده تری بر ضد روند اصلاحات را آغاز کرده اند. ارتجاع به خوبی آگاه است که نیروهای ملی - مذهبی در شرایط اوج گیری جو نارضایتی مردم و جنبش مردمی، و در صورت رویگردانی مردم از اصلاح طلبان خودی، می توانند به نیروی جایگزین قابل توجهی تبدیل شوند و از همین رو از هم اکنون خواهان قلع و قمع کامل این نیروهاست.

امروز مبارزه با محاکمات فرمایشی ارتجاع حاکم، دفاع از روند اصلاحات و سکوت در این زمینه به هر بهانه بی همکاری با نقشه های پلید ارتجاع برای درهم کوبیدن جنبش مردمی است. باید با اتکاء به جنبش مردمی و نیروهای اجتماعی مدافع روند اصلاحات کارزار گسترده بی را بر ضد قوه قضائیه و بیدادگاه رژیم سازماندهی کرد. حزب توده ایران ضمن محکوم کردن آغاز دادگاه های فرمایشی نیروهای ملی - مذهبی از همه نیروهای مترقی ایران و جهان می خواهد تا صدای اعتراض خود را بر ضد این حرکات ضد مردمی بلند کند و اجازه ندهند تا مبارزان دگراندیش قربانی سیاست های سرکوب گرانه ارتجاع شوند.

ادامه محدود کردن خدمات اینترنتی ...

و اینترنت و دفاتر خدمات حضوری اینترنت می باشد. بر اساس این مصوبه، ایجاد نقطه تماس بین المللی در انحصار دولت است و ارائه مجوز به دستگاه های ذیربط، توسط شورای اطلاع رسانی صورت می گیرد. هر دستگاه اجرایی که مجوز برقراری تماس بین المللی را اخذ می نماید، صرفاً مجاز به ارائه خدمات در محدوده وظایف قانونی و تشکیلات مصوب خود می باشد. همچنین بر اساس این مصوبه، شرکت های بخش خصوصی که تاکنون نسبت به ایجاد نقطه تماس بین المللی اقدام کرده اند، لازم است ظرف شش ماه پس از ابلاغ این آیین نامه، نسبت به جمع آوری تاسیسات یا واگذاری به بخش های دولتی، اقدام نمایند. چنین اقدام محدود کننده اطلاع رسانی از طرف نهادی که اتفاقاً ریاست آن به عهده محمد خاتمی است، در حالی صورت می گیرد که به گزارش همین روزنامه در همان تاریخ، مهدی کربوی طی سخنانی در دیدار با وزیران اطلاع رسانی کشورهای اسلامی گفت: «کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی باید بتوانند به صورت یک ارگان قوی ارتباطی برای ایجاد جریان آزاد، مطمئن، مستقیم و سریع اطلاعات و اخبار بین کشورهای یاد شده عمل کنند.» در همین رابطه مصوری منش، نماینده اصفهان در گفت و گو با ایسنا گفت: «متأسفانه تاکنون نه تنها شورای انقلاب فرهنگی بلکه بسیاری از شوراهای دیگر در کنار مجلس شورای اسلامی، قانون تصویب کرده اند و به تازگی شورای انقلاب فرهنگی هم در این باره قانون تصویب کرده است. جای سؤال، بحث و بررسی است که آیا در یک نظام قانونمند، جایگاه مجلس است که قانونگذاری کند یا شوراهای مختلف.» (ایسنا، ۲۰ آبان)

روزنامه «توسعه»، ۲۰ آبان نظرات نمایندگان را به چاپ رسانده که در آن تأکید بر غیر قانونی بودن این عمل شورای عالی انقلاب فرهنگی می کند. صرف نظر از این اظهارات باید متذکر شد قانون در رژیم ولایت فقیه آنچنان لوٹ گردیده که حتی دفاع از قانون هم برای مدعیان آن کم کم مشکل به نظر می رسد. در رژیم ولایت فقیه آن چیزی «قانون» نامیده می شود که حافظ منافع سردمداران رژیم باشد. اقدام جدید شورای عالی به اصطلاح فرهنگی کشور دقیقاً با همین ارزیابی صورت گرفته است. اکنون که بحران اجتماعی هر روز به صورت جدی تر و خارج از چارچوب های حکومتی پایه های رژیم را هر چه بیشتر سست می کند، سعی دارند که با اقدامات متفاوت آن را سد کنند. با توجه به گستردگی ارتباطات کامپیوتری از طریق اینترنت و بی اعتمادی کامل به رسانه های مجاز در داخل جمهوری اسلامی، محدود کردن ارتباطات رسانه ای آن هم در سطحی به گستردگی اینترنت را نباید دور از انتظار دانست.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- 1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
- 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
4. E-mail: mardom@tudehpartyiran.org

Supplement to Nameh Mardom-NO 621
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

13 November 2001

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse